

متن پرسش

سلام آقای طاهرزاده بزرگوار: روز بخیر بعد از مطالعه و گوش دادن به بحث حرکت جوهری، به طور تصادف به یاد مطلبی افتادم که سال گذشته در اینترنت خوانده بودم. این مطلب علمی جالب که مویده برخی از عقاید ماست را مطالعه بفرمایید: پاولی، برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۴۵ بود. این جایزه را به خاطر کشف قانون جدیدش به نام اصل طرد پاولی دریافت کرد. او مورد تشویق آلبرت انیشتین هم قرار گرفت. پاولی می‌گه که هر چیزی در جهان، ارتعاش مخصوص به خودش را دارد. فیزیک دان‌ها عدد کوانتومی هر الکترون را محاسبه می‌کنند و به دست می‌آورند. پاولی می‌گه: هیچ دو الکترونی در جهان هستی دارای عدد کوانتومی یکسانی نیست. (در واقع عدد کوانتومی الکترون، حکم شماره ملی ما آدمها را داره. منحصر به فرد و یکتاست). مثال ساده برای فهم موضوع: سببی را بر می‌داریم و از میان میلیاردها الکترونی که داخلشه، فقط یکی را انتخاب می‌کنیم. فرض کنیم نام آن الکترون را بگذاریم "کاملیا". عدد کوانتومی کاملیا عددی بسیار بسیار طولانیه، اما برای این که کارمون را اینجا ساده کنیم، فرض کنیم آن عدد بزرگ ۲۳ باشه. پاولی ثابت کرد در هیچ کجای جهان هستی، نه تنها هیچ سبب دیگری، بلکه هیچ شیء دیگری پیدا نمی‌کنید که الکترونش عدد کوانتومی آن ۲۳ باشه. شگفت‌انگیزه نه؟ حالا اگه دستمالی برداریم و به سبب بکشیم و آن را برق بیندازم، در اثر اصطکاک ایجاد شده، انرژی ای حاصل می‌شود و این انرژی عدد کوانتومی کاملیا را ارتقا داده و به مثلاً ۲۶ می‌رساند و درست در همان لحظه و بدون فوت وقت، تنها الکترونی که در جهان هستی با عدد کوانتومی ۲۶ بوده، دستخوش تغییر می‌شود و عدد کوانتومی آن به عدد ۲۳ تغییر میکنه. جهان ما برای حفظ توازن خود، لحظه به لحظه آرایش خود را تغییر می‌دهد. پاولی با اثبات این موضوع جایزه نوبل فیزیک گرفت و گفت: اگر هر الکترونی دارای ارتعاش منحصر به فرد خود باشد، پس هر شیئی در جهان دارای ارتعاش مخصوص به خود است. و اما نتیجه گیری: وقتی یک سبب با یک اصطکاک کوچک، تغییر پیدا می‌کند، بنابراین وقتی که من فرزندم را در آغوش می‌گیرم و می‌بوسم، و یا وقتی که رفتار بد دوستم را می‌بخشم و صبوری می‌کنم، و یا وقتی که به همسایه ام ناسزا می‌گویم و یا وقتی که دست خودم را می‌خارانم، در واقع دارم دستور زنجیره ای از تغییرات را به جهان هستی می‌دهم. هر اندیشه ای که از ذهن ما می‌گذره، الکترون‌هایی را در گستره جهان هستی به ارتعاش در میاره و دستخوش تغییر می‌کنه. اگه به جای محبتی که به کسی کرده‌ای، از او بی‌مهری دیدی، ناامید از محبت کردن نشو! چون برگشت آن را از فرد دیگری، در یک رابطه دیگر و در یک موضوع دیگر، خواهی دید. تمام انرژی‌هایی که از شما ساطع می‌شود به شما باز می‌گردد. و در نهایت به قول

مولوی: این جهان کوهست و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا و همینطور سعدی: تو نیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز استاد عزیز! فکر می کنم این مطلب و این قانون پاولی، بتواند حرکت جوهری را از نظر علمی ثابت کند. تحلیل شما در مورد مطلب بالا و ارتباطش با حرکت جوهری چیه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حرف خوبی است از آن جهت که ذات و یا جوهر هر موجودی منحصر به خودش می باشد و عکس العمل مخصوص به خود را در میان می آورد. موفق باشید